

کیهان

۵ نوامبر ۱۹۹۱، در ساعت ۸ شب، بالگرد گارد ساحلی اسپانیا جسدی برهنه با وزن حدود صد و سی کیلوگرم و قد یک متر و نود با جای زخمی در صورتش نزدیک چشم راستش از آب‌های اقیانوس اطلس، حدود سی کیلومتری جنوب جزیره گراند کاناریا بیرون آورد. این جسد با اطمینان شناسایی شد که جسد چهره رسانه‌ای و بانفوذ بریتانیا «رابرت مکسول» است.

مکسول سال ۱۹۳۳ در چکسلواکی در خانواده‌ای یهودی، فقیر و پر جمعیت متولد شد. او برای خودش شغلی سیاسی در انگلیس به دست آورد و دوره کوتاهی به عنوان عضو پارلمان بریتانیا از طرف حزب کارگر خدمت کرد. اما به تدریج سیاست را رها کرد و انجرام فعالیت در حوزه مطبوعات را آغاز کرد. در طول زمان کوتاهی سرمایه‌اش زیاد شد و به یکی از شخصیت‌های مشهور و مهم در دنیای مطبوعات تبدیل شد.

«امید و شکست» خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیت ی‌عقوب نیرودی برای اسرائیل – ۶۰

نفوذ رسانه‌های مکسول

او بر روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها، ایستگاه‌های تلویزیون و شبکه‌های تلویزیونی کالیبا، ایستگاه‌های رادیو و مجموعه بسیاری دیگر از رسانه‌ها تسلط یافت. او شگفت انگیز بود. سال ۱۹۸۴ او شبکه «میرور» بریتانیا را به مبلغ صد و سیصد میلیون پوند خرید. از ۱۹۸۷ بیش از پانصد میلیون پوند در شرکت‌های مطبوعاتی از ماهواره‌ها تا انتشارات کتاب‌های کودکان سرمایه‌گذاری کرد. در آن دوره شروع به نزدیک شدن و بازگشت به ریشه‌های یهودی‌اش کرد.

او به عنوان رئیس سازمان اوراق قرضه اسرائیل در انگلیس خدمت کرد و سرمایه‌گذاری خود را در اسرائیل بسیار زیاد گسترش داد.

همچنین به عنوان ناشر و رئیس شورای مدیران معاریو خدمت کرد، بیشتر مالکیت انتشارات «کیتز» و همچنین بخشی از سهام شرکت «تیوا» و «سایتکس» را از خرید و سرانجام آنها را با سود زیاد فروخت. اما ظاهر پِر ایهت امپراتوری او گمراه کننده بود.

از اوایل دهه نود مشکلات بعدی با سرعت زیاد شروع شدند. شرکت «ارتباطات مکسول» گرفتار بدهی یک میلیارد و چهارصد میلیون پوندی شد. دومین شرکت تحت مالکیت او «گروه میرور» در بدهی سیصد میلیون پوندی روز رفت. بدهی‌های خصوصی خانواده مکسول نهصد میلیون پوند تخمین زده می‌شد و مجموع بدهی بیشتر از چهار میلیارد دلار بود؛ یک مبلغ واقعا افسانه‌ای! چند هفته قبل از مرگ او

۳-۸. اصل تفکیک قوا

امام در رابطه با اصل تفکیک قوا می‌نویسند: «اساس حکومت بر قوه تقنینیه و قوه قضائیه و قوه مجریه بودجه‌بیت‌المال است و برای بسط سلطنت و کشورگیری بر جهاد و برای حفظ استقلال کشور دفع از هجوم اجانب بر دفاع است. همه این‌ها در قرآن و حدیث اسلام موجود است.»

ایشان در تشریح وظایف قوه مقننه و مجریه می‌نویسند: « دولت ما که یکی از حکومت‌های کوچک جهان است وظیفه‌اش آن است که دنبال همین حکومت رسمی را بگیرد و قانون مجلس، تشریح همین قانون خدایی باشد تا پس از این روشن شود که قانون اسلام در تمدن جهان پیش‌قدم همه قانون‌هاست و با عملی شدن آن مدینه فاضله تشکیل می‌شود.»

۳-۹. نظام تقنین در حکومت اسلامی

«قوانینی را که نویسنده می‌گوید که کشور با مرور زمان به آن‌ها محتاج می‌شود و در شرع از آن‌ها اثری نیست بر دو گونه است؛ یکی آن‌هایی که با قانون شرع مخالف است مانند مالیات بر فواخش و باندل مسکرات و مانند این‌ها. این‌گونه قوانین برای مملکت و توده مضر و برخلاف صلاح کشور است و اگر کسی آن‌ها را یکان یکان بررسی کند خواهد فهمید چه ضررهایی از این‌گونه قوانین پوسیده بر کشورهای اسلامی وارد شده است.

و از این قبیل است قانون قضائی و دادرسی و معاملات نامشروع و قانون ازدواج و مانند این‌ها.. و دیگر از قوانین که با مرور زمان کشور نیازمند به این‌ها می‌شود آن‌هایی که با قانون شرع مخالف نیست و امروز در نظم مملکت و ترقیات کشور خلالت دارد. این‌گونه قوانین را دولت اسلامی می‌تواند به‌توسط کارشناسان دین تشخیص دهد که با قانون اسلامی تطبیق کنند و وضع نمایند؛ مثلاً اگر برای حفظ کشور یا حفظ شهرستان‌ها محتاج به آیین‌نامه‌ها یا قوانین شدند که برخلاف قانون اسلامی نبود و کارشناسان دینی تشخیص آن را دادند، مانعی از وضع و جریان آن نیست؛ چنانچه در (ایه ۲۰) از سوره انفال که ما در باب نظام اسلامی آن را آوردم می‌گوید: «هر طور توانستید و مقتضی بود باید در مقابل دشمن قیام کنید.»

و با این بیان راه سخنان بوج این نویسنده بسته می‌شود؛ زیرا قانون ثبت و بانک و مانند آن‌ها اگر مخالف با قانون اسلام شد که قانون نیست و اگر مخالف نشد و در نظام یا ترقیات کشور خلالت دارد دولت می‌تواند مطابق صلاح کشور آن‌ها را به جریان بپندارد؛ اگرچه اسمی از آن‌ها در قانون اسلام نباشد؛ مثلاً در صورتی که برای حفظ شهرستان‌ها محتاج اسلامی نیازمند به بانک و ثبت املاک و سرشماری و مانند این‌ها نبوندند و سازوبرگ ارتش در آن زمان با این زمان مخالف بوده و وزارت پست و تلگراف نبوده یا به این تشریفات نبوده است؛ لکن قانون اسلام از تشکیل آن‌ها اساساً جلوگیری نکرده است.



شبکه بی‌بی‌سی گزارشی درباره کسب و کار و بدهی‌های مالی او پخش کرد. در پی این گزارش سهام دو شرکت تحت مالکیت او سقوط کردند. زمان کوتاهی قبل از مرگ او در انگلیس مجازی «میرور گیت» پخش

پاورقی

اسرائیل را در اختیار این نشریه گذاشت. پس از آنکه موساد مطلع شد واناتو اطلاعات محرمانه کلاهک‌های اتمی اسرئیل را فاش کرده است برای دستگیری او اقدام کرد؛ ابتدا واناتو را از طریق عوامل خود به ایتالیا کشاند و در ژم او را ربود و به اراضی اشغالی منتقل کرد. مردخای واناتو سال ۱۹۸۶ در دادگاه رژیم صهیونیستی به جرم افشای اسناد حیاتی به ۱۸ سال زندان محکوم شد و تا سال ۲۰۰۴ در زندان به سر برد. او پس از آزادی از زندان اجازه خروج از اراضی اشغالی و یسا گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی را نداشت. رژیم صهیونیستی اندکی پس از آزادی واناتو، او را به جرم نقض محدودیت‌های در نظر گرفته شده؛ یک بار دیگر مجموعاً به یک سسال حبس(۶ ماه تعزیری و ۶ ماه تعلیقی) محکوم کرد. ۲- نیروودی عمدهانه بخشی از اطلاعات مربوط به «رابرت مکسول» را بازگو نمی‌کند. «رابرت مکسول» با نام اصلی «یان لودویگ هوخ»(۱۹۲۳–۱۹۹۱) چهارمی‌ا رموز با بسفاهی نظامی و نزدیک به سرویس‌های امنیتی داشت. مکسول در جریان جنگ جهانی دوم به ارتش در تبعید چکسلواکی پیوست، سپس وارد ارتش بریتانیا شد و به دلیل خدماتش در ارتش بریتانیا نشان افتخار دریافت کرد. مارک ارونز و جان لوفتاس در کتاب خود با عنوان «جنگ مخفی علیه یهودیان» از نقش رابرت مکسول در جریان جنگ اعراب و اسرائیل می‌گویند.

بر این اساس مکسول با نفوذ خود، رهبران کمونیست چکسلواکی را قانع کرد تا به پشتیبانی فنی از نیروی هوایی رژیم صهیونیستی بپردازند و در نتیجه طی جنگ با اعراب در ۱۹۴۸رژیم صهیونیستی توانست برتری هوایی را به دست آورد. ۲- نوامبر ۲۰۰۳ روزنامه تلگراف چاپ لندن از طبع اسناد منتشر شده، FBI، به مدت یک دهه گمانه‌زنی‌ها مبنی بر جاسوسی دوجانبه یا سه‌جانبه رابرت مکسول در تئدهای اطلاعاتی غربی خبر داد. طبق اسناد منتشر شده، FBI، به مدت یک دهه رابرت مکسول را زیر نظر گرفته بود تا ارتباط او با KGB، MI۶ و موساد را کشف کند اما مدرکی سهام را از رزمیه به دست نیابرد. اسنادی که وزارت خارجه انگلستان در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد، نشان می‌داد پورنده رابرت مکسول با عنوان «کاپیتان یان مکسول» در آرشوی ملی در کبوا، لندن حاوی گزارش‌هایی است که بیان می‌کند او مطمئناً توسط روسیه تأمین مالی شده است.

در یکی از این گزارش‌ها به سال ۱۹۵۹ آمده است: «فعالیت‌های مشکوک سروان مکسول طی ۱۰ سال گذشته چندین بار به اطلاع وزارت خارجه[بریتانیا] رسیده است.» سوده‌ای از ارتباط نزدیک او با موساد نیز وجود داشت.

اندکی قبل از مرگ مکسول «اری بن مناشه» یکی از افسران سابق اداره اطلاعات نظامی اسرائیل فاش کرد مکسول و نیکلاس دیویس(سرمدیر خارجی دیلی میورز) از مدت‌ها پیش عامل موساد بوده‌اند. بن‌مناشه همچنین مدعی شد در سال ۱۹۸۶ مکسول به سفارت اسرائیل در لندن اطلاع داد که «فعالیت‌های مشکوک سروان مکسول طی ۱۰ سال گذشته چندین بار به اطلاع وزارت خارجه[بریتانیا] رسیده است.» سوده‌ای از ارتباط نزدیک او با موساد نیز وجود داشت.

۱- م: «مردخای واناتو» (به عبری: מרדכי ואנונו) یک یهودی مراکشی تبار بود که در سال ۱۹۵۴ در مراکش متولد شد. او به همراه خانواده‌اش در سال ۱۹۶۳ به اراضی اشغالی مهاجرت کرد. سال ۱۹۷۱ به ارتش رژیم غاصب صهیونیستی پیوست و سپس با فارغ‌التحصیلی از دانشگاه بن‌گوریون به عنوان کارشناس در تأسیسات هسته‌ای دیمونا مشغول به کار شد. واناتو سال ۱۹۸۵ استعفا کرد و با خروج از اراضی اشغالی به یک گروه مسیحی مخالف جنگ افزارهای هسته‌ای در استرالیا ملحق شد و همزمان تغییر دین داد و به مسیحیت گروید. وی سالال ۱۹۸۶ در مصاحبه با هفته‌نامه انگلیسی ساندی‌تایمز برای اولین بار اطلاعات و تصاویر محرمانه‌ای از تأسیسات دیمونا و تسلیحات اتمی

دچار شدن به این پیدادگری که به نام دادگستری معروف است از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها است. برای توده مورد احتیاج است که با هر حیل‌های هست تشکیل آن موافقت کنند و همین‌طور سازوبرگ ارتش در این زمان به هر طوری صلاح کشور است باید تهیه شود و ابداً قانون اسلام با این‌گونه ترقیات مخالفت نکرده است و قوانین اسلامی با هیچ‌یک از پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی مخالف نیست و این‌گونه نافرهنگی‌های شما جز فساد انگیزی و فتنه‌گری راه دیگری ندارد.»

۳-۱۰.قوانین اقتصادی وقضائی در حکومت اسلامی

بازخوانی زمینه‌های فکری و سیاسی کتاب «کشف اسرار» امام خمینی (قدس‌س) — ۲۳

اصل تفکیک قوا

از نظام تقنینی تا قوانین اقتصادی وقضائی

سهراب مقدمه شهیدانی

در تمام قوانین اسلام جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی به‌طور کافی مراعات شده است. اکنون باید چه کرد که مثنی هرزه‌گرد با مثنی الفاظ بی‌معنی هر گونه تهمتی را روا می‌دارند و از هیچ بی‌ابروی کوتاهی نمی‌کنند و باخدای عالم و قانون بزرگ و دشمنی می‌کنند؟! این‌ها خیانت‌به فرهنگ نیست؟! این‌ها با مصالح کشور و توده بازی کردن نیست؟! **آیین دادرسی در اسلام** شگفتا که این بی‌فرمایگان با این بی‌معلومات به جنگ قرآن و اسلام برخاسته‌اند و به قانون خدا اشکال می‌کنند. ما نمی‌دانیم راستی پایه معلومات این‌ها همین‌قدر است یا آن که خود را به جهالت زده و از روی دشمنی چنین دروغ‌های روشن را به دین می‌بنندند! می‌گویند: آیین دادرسی در شرع نیست. یا آن که آیین دادرسی در اسلام از بزرگ‌ترین آیین‌ها است و هزاران مواد خرمندانه دارد و اگر کسی کوچک اطلاعی از قانون دادرسی اسلام و شرایطی که برای قاضی و شاهد تعیین کرده داشته باشد می‌داند اساس این قانون چیست و همین‌طور اگر کسی به وضع‌حال قضات و آسانی فصل خصومت و درعین‌حال نزدیک بودن آن به کشف واقع و حقیقت درست برخورد کند، فرقی میان قانون خدا و قانون بشر را خواهد فهمید؛ این‌جا ما به‌طور اشاره چند ماده از قانون قضاوت اسلام را می‌آوریم تا پایه دانش این نویسنده معلوم شود.

دایانا که جنیفر را با لباس توتوی^۱ جدیدش نزد یک دوست گذاشته بود تا به تحسین لباس جدید او بپردازد و در واقع او را سرگرم کند،.ا، خوداکنون در کنار شهرش ایستاده او از نزدیک شاهد ماجرا^۲ بود، او تعریف کرد:

«ان را برای مایکل، من و هانت بلند قرائت کردند. شرم‌آور بود. هیچ اشاره‌ای به خدمات مایکل و جان نشده بود. مایکل، و جان صورت‌شان امثل گج^۳ سفید شد و از اتاق بیرون رفتند. نیکلاس و دنیس از من پرسیدند: «ظرت چیست؟» گفتی: «حال به هم زن است.» فکر می‌کنم گریه می‌کردم.» دایانا با چشمانی اشک‌بار رسید؛ چرا هیچ اشاره‌ای به فداکاری مایکل برای کنگره، یا به تعهد تزلزل‌ناپذیر او به آرمان آزادی فرهنگی نشده بود؟ چرا این حقیقت را نادیده

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر— ۲۰۹

بازنویسی یک بیانیه برای جریان رفتاری خارج از نزاکت

گرفته بودند که بدون مایکل، و در واقع بدون جان، اساساً هیچ کنگره‌ای وجود نمی‌داشت؟ آیا روشنفکران این‌گونه دین خود را به مردی که همگی به او مدیون هستند، ادا می‌کنند؟ که با اولین نشانه مشکل، دامن بالا‌زده و فرامی‌کنند؟

آیا هیچ‌کس حاضر نبود بایستد و بجنگد؟ در این لحظه، ناباکف— که همواره مردی با حرکات نمایشی بود— سینه‌اش را گرفت و دچار— با تظاهر به— یک حمله قلبی کرد. کسی مأمور شد تا یک لیوان آب و یک آسپرین بیاورد. حتی اگر غش کردنش سناستگی بوده باشد، سردرگمی او در این لحظه، واقعی بود. مایکل چه

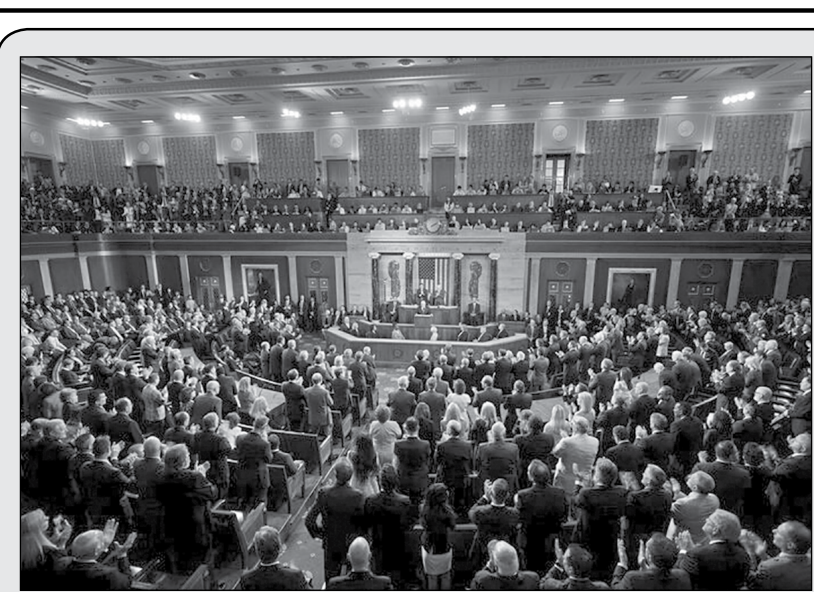
روسیه تأمین مالی شده است. در یکی از این گزارش‌ها به سال ۱۹۵۹ آمده است: «فعالیت‌های مشکوک سروان مکسول طی ۱۰ سال گذشته چندین بار به اطلاع وزارت خارجه[بریتانیا] رسیده است.» سوده‌ای از ارتباط نزدیک او با موساد نیز وجود داشت. اندکی قبل از مرگ مکسول «اری بن مناشه» یکی از افسران سابق اداره اطلاعات نظامی اسرائیل فاش کرد مکسول و نیکلاس دیویس(سرمدیر خارجی دیلی میورز) از مدت‌ها پیش عامل موساد بوده‌اند. بن‌مناشه همچنین مدعی شد در سال ۱۹۸۶ مکسول به سفارت اسرائیل در لندن اطلاع داد که «فعالیت‌های مشکوک سروان مکسول طی ۱۰ سال گذشته چندین بار به اطلاع وزارت خارجه[بریتانیا] رسیده است.» سوده‌ای از ارتباط نزدیک او با موساد نیز وجود داشت.

انتظاری می‌توانست داشته باشد؟ اینان دوستان او بودند و او همه این سال‌ها آنان را فریب داده بود. او این واقعیت را پنهان کرده بود که کارمند سازمان سیا است و اینکه کنگره آزادی فرهنگی فرزند یک عملیات پنهانی سازمان سیا است. این‌ها بشر از چه جنسی ساخته شده بود که حالا با این همه فریب، موضعی حق به جانب گرفته‌ا و چنین آزرده‌خاطر و خشمگین به نظر می‌رسید؟ آیا واقعا باور داشت که بیشتر از آنکه گناهکار باشد، مظلوم و ستم‌دیده است و آنگاه در حق او ظلم روا داشته؟ ناگهان، چشم‌های ناباکف— کسی که سرنوشتش به شکلی عمیق با جوسلسون گره خورده بود— به حقیقت باز شد.

صفحه ۶

شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴

۲۵ شعبان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۷۷



روش‌هایی در عرصه اندیشه را مردود می‌شمارد... مجمع از استغفای مایکل جوسلسون و جان هانت باخبر گشت. مجمع قدرلانی مجدد خود را نسبت به آنان ابراز می‌دارد چراکه علی‌رغ دشواری‌های مربوط به شیوه تأمین مالی فعالیت‌های کنگره، استقلال کامل و اصالت فکری سازمان را حفظ کردند و در نتیجه از آنان درخواست نمود تا به انجام وظایف خود ادامه دهند.»

از بسیاری جهات متن بیانیه عاری از صداقت بود. اولاً، استغفای جوسلسون توسط مجمع پذیرفته شد، موضوعی که بعدها توسط دایانا جوسلسون و جان هانت تأیید شد. هانت در این‌باره گفت: «بدم هست که به مایک— صرف‌نظر از محتوای صورت‌جلسات— عملاً اعلام کردند که نمی‌تواند در سمش باقی بماند. من در نظر آنان جایگاه متفاوتی داشتم؛ بنابراین این حکم شامل من نمی‌شد.»

ثانیاً— و مهم‌تر از آن— نمی‌توان به سادگی ادعا کرد که جوسلسون کمک مالی سازمان سیا را «بدون آگاهی هیچ یک از همکارانش» پذیرفته، هانت بعدها افشا کرد: «هی‌توالم به شما بگویم که چندتن از برجسته‌ترین چهره‌های کنگره حقیقت را می‌دانستند، چون دولت‌های متبوع‌شان به آنان اطلاع داده بودند. به آرون گفته شده بود. مارلو قطعا می‌دانست. مورگیز و واربورگ هم توسط سازمان اطلاعات بریتانیا MI۶ (پس از آنکه دو نهاد^۱ درباره محله اینکافتور^۲ به توافق رسیده بودند) در جریان کار قرار گرفته بودند.»

«چه کسی بود که نانداف^۳ من دوست دارم بدانم. این راز خیلی آشکاری بود.» این را لارنس دو نویفیل گفت، فهرست کسانی که می‌دانستند—

یا فکر می‌کردند که می‌دانند— به‌اندازه کافی طولانی است: استوارت همپشایر، آرتور شلزنبرگ، ادوارد شیلز^۴ (که به ناشاسا اسپندر اعتراف کرد از سال ۱۹۵۵ مطلع بود)، دنیس دو روزمون، دنیل بل، لوئیس پودس، جورج کنتان، آرتور کستر، جونکی فلاشمن، فرانسوا بوندی، جیمز برنهام، ویلی برانت، سیدنی هوک، ملوین اسک، جیسون اپستاین، مری مک‌کارتی، پیر امانوئل، لیونل تریلینگ، دایانا تریلینگ، شُل لویتاس، رابرت اوپنهاইمر، شُل اشتاین، دایوت مک‌دونالد.

پانوشته‌ها
۱- دامن کوتاه، دامن ویژه رقص باله
۲- CIA و MI۶
۳-

در این‌جا ممکن است یک وکیل زبردست حق روشن مردم را پایمال کند و دست‌کم تا آخر عمر نگذارد حق به صاحبش برسد؛ لکن در قانون اسلام وکیل هر چه زبردست باشد خیلی کم می‌تواند اشتباه‌کاری کند.

چون میزان فصل خصومت طوری است که با تشخیص قاضی تمام می‌شود و زبردستی و قانون دانی وکیل کمتر دخالت در آن دارد.

در قانون اسلام ممکن است در یک روز پیش یک قاضی بیست محاکمه ختم شود درحالی‌که ممکن است در یک محاکمه با قانون امروز با چندین سال وارد اصل ماهیت دعوی نشوند.

اما قانون مرور زمان از بدترین پیدادگری‌ها است که باید هرچه زودتر آن را لغو کرد. گذشتن زمان چه دخالت در باطل شدن حقوق مردم دارد؟! این‌ها تقلیدیه‌های کور کورانه‌ای است که با هیچ قانون عدل و عقلی نمی‌سازد. زیان‌های قانون دادگستری را زام‌داران و نویسندگان می‌دانند؛ لکن هیچ‌یک در فکر اصلاح نیستند تا این‌س پیدادگری از کشور برانزدند و نصف وقت و پول تسوده را نگذاردند در راه بیهوده مصرف شود.

ما پیش‌ازاین قانون بودجه اسلامی را ذکر کردیم، قانون حسابداری هم دنبال آن است و از قوانین فرعیه است که بودجه نیازمند به آن است و باید جریان داشته باشد و بودجه اسلامی به‌طوری‌که دیدید به حسابداری نیازمندتر از دیگر بودجه‌ها است؛ زیرا صندوق بودجه باید مختلف باشد و از مخارج بودجه، تأمین قرض است که البته حسابداری دقیق لازم دارد و ثابت کردیم که قانون گمرک برای کشور ضرر دارد و به تجارت زیان وارد می‌کند مگر از اجانب با قرارداد و معاهداتی که دولت اسلامی نیز می‌تواند هر وقت صلاح دانست هرقدیر خواست بگیرد.»

۳-۱۱. لزوم فرم دادن نهادهای نظامی تحت اشراف روحانیت

در حال حاضر مطابق قانون اساسی نیروهای مسلح تحت فرماندهی کل قوای ولی فقیه قرار دارند. امام‌خمینی(ره) در کتاب کشف اسرار می‌نویسند: «ارتش کشور نیز باید تحت نفوذ روحانیت باشد تا از آن بتوان نتیجه‌های روشن بر قیمت گرفت و عمال شهربانی و نیروهای جنگی کشور از همه طبقات به روحانی بیشتر احتیاج دارند.

اگر دولت قوه تمیز را از دست نداده باشد، تجزیه روحانیت از دولت مثل جدا کردن سر از بدن است. هم دولت با این تجزیه، استقلال و امنیت خارجی و داخلی را از دست می‌دهد و هم روحانیت تحلیل می‌رود. افسوس که زمامداران ما یا خواب مادرزاد هستند و با آن‌ها را دیگران اغفال کرده و قوه تمیزشان را زده‌بده‌اند. قسم سومی هم دارد که خیانتهکاری به کشور است.»